

تاریخ فرهنگی قبیله لعنت (۲)

(سیر تحول اندیشه و عمل شیطان)

از روز نخست تا عصر حاضر)

کاهنان معبد جادو

اسماعیل شفیعی سروستانی

سرشناسه: شفيعی سروسٲانی، اسماعيل، ۱۳۳۷.
عنوان و نام پديدآور: تاريخ فرهنگي قبيلهٔ لعنت/ اسماعيل شفيعی سروسٲانی.
مشخصات نشر: تهران: هلال، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهري: ج.
شابک: دوره: ۰- ۸۳- ۶۹۳۸- ۹۶۴- ۹۷۸: ۷۰۰۰۰ ريال: ج. ۱: ۷- ۸۴- ۶۹۳۸- ۹۶۴- ۹۷۸: ۸۰۰۰۰ ريال: ج. ۲: ۴- ۸۵- ۶۹۳۸- ۹۶۴- ۹۷۸
يادداشت: کتابنامه.

يادداشت: واژه‌نامه.
مندرجات: ج. ۱. بن‌مايهٔ رويگرداني از خدا. ج. ۲. کاهنان معبد جادو.
معييت فهرست‌نويسی: فيپا.

موضوع: دوزخيان.
موضوع: و کافران.
موضوع: تمدن - تاريخ.
موضوع: اسلام - تاريخ.
موضوع: شيطان - مباحثه‌هاي قرآني.
رده‌بندي ديوي: ۹۷/۴۰

رده‌بندي کنگره: ۳۹۲- ۲۱ ش۷/ ۶۵/ ۲۲۲ BP
شمارهٔ کتابشناسي ملي: ۳۵۹۰، ۶

تاريخ فرهنگي قبيلهٔ لعنت (۲)

کاهنان معبد جادو

نويستنده: اسماعيل شفيعی سروسٲانی
ناشر: هلال

ويرايش: واحد پژوهش موعود عصر (عج)، زهرا بيبي
صفحه‌آرا: فخری سادات بني‌زهرا

شابک دوره: ۰- ۸۳- ۶۹۳۸- ۹۶۴- ۹۷۸
شابک جلد دوم: ۴- ۸۵- ۶۹۳۸- ۹۶۴- ۹۷۸
شمارگان: ۱۵۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴
قيمت: ۸۰۰۰۰ ريال

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۲۱.....	مقدمهٔ جلد دوم
۲۳.....	فصل اول: دریاهای و بینش اساطیری
۲۵.....	دریافتهای بینش اساطیری
۳۰.....	حقیقت اسطوره
۳۹.....	اساطیر، به مثابه فراری از تاریخ اندیشه
۴۲.....	بینش عمومی اساطیری
۴۵.....	وجوه شرک‌آلود دریافتهای اسطوره‌ای
۶۹.....	فصل دوم: علوم خفیه
۷۱.....	سابقه و تاریخچهٔ علوم خفیه
۷۳.....	آغاز جادو و ساحری
۷۷.....	جادو، جادوگری و مجامع مخفی
۷۸.....	علوم غریبه یا علوم خفیه (در مقابل علوم جلیه)
۸۱.....	تأثیر سحر و جادو
۸۴.....	تفاوت سحر با کرامت و معجزه
۸۹.....	نهی از ورود به علوم غریبه
۹۳.....	سحر چیست؟

۹۴	 سحر و روایات اهل بیت (علیهم السلام)
۹۶	 کشتن، حدّ سحر
۹۷	 راه‌های مختلف سحر
۹۸	 کهانت
۱۰۰	 فنون جادویی
۱۱۵	 ساحری و جادوگری در میان اقوام، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها
۱۲۲	 صدای گوساله سامری
۱۲۵	 فصل سوم: کاهنان معبد جادو
۱۲۷	 کهانت - روحانیت معبدی (فرهنگ معبدی)
۱۲۷	 کائنات
۱۳۴	 راز اشتراک در مشابیهت الهه‌ها و اسطوره‌ها
۱۳۶	 مشترکات بزرگ معبدی
۱۳۸	 کاهنان معبد دلی و یرنانین
۱۴۲	 فرهنگ معبدی کلدانیان
۱۴۳	 خواصّ خدایان
۱۴۵	 اقوام پارس و فرهنگ معبدی
۱۴۹	 تمدن درّه «سند» و کاهنان معبد هندو
۱۵۹	 آئین هندویی
۱۶۰	 فرهنگ معبدی و سازمان بزرگ مذهبی هند
۱۶۶	 هند سرزمین مرتاضان
۱۷۰	 هند، سرزمین علوم غریبه
۱۷۷	 فصل چهارم: موجودات ماورائی
۱۷۹	 جنّ و تعامل با انسان
۱۸۲	 فرشتگان

جَنیان.....	۱۸۴
تعامل اجنه و انسان.....	۱۸۹
اجنه و فرهنگ معبدی.....	۱۹۲
ارتباط انسان و اجنه.....	۲۰۶
هاروت و ماروت.....	۲۰۷
تجسم اجنه.....	۲۱۴
فصل پنجم: فراخوانی.....	۲۱۹
فراخوانی و ارتباط با شیاطین و اجنه.....	۲۲۱
ارتباط گیس.....	۲۲۲
بر سر نهال حقیقه فراخوانی چه آمده است؟.....	۲۳۱
عزم ابلیس بر رزم..... است.....	۲۳۳
انواع فراخوانی.....	۲۳۸
فهرست منابع.....	۲۴۳
فهرست اعلام.....	۲۵۳

تاریخ فرهنگی قبیله لعنت

با حمد و سپاس خدایم یکتا و توسّل و توکّل به آستان مقدّس حضرت رحمة للعالمین، مدبر عباد الله ﷺ، سنگ بنای این اثر که با عنوان «تاریخ فرهنگی قبیله لعنت» ارائه گردیده است، وقتی گذارده شد که کتاب «تاریخ فرهنگی قبیله رحمت»، امر حلّی خود را طی می‌کرد. در آن اثر، نگارنده با مراجعه و استناد به منابع روایی و ویژه «دعای ندبه»، سعی خود را مصروف آن داشت تا نقاط عطف رفته بر سلسله انبیا و اوصیای الهی را برشمارد و همچنین نقاط عطف در حال گذار و پیش رو، تا به آخرین ایستگاه، یعنی تأسیس دولت کریمه طیّبه آخرین حلقه از سلسله انبیا و اوصیای الهی را معرفی نماید. ایستگاهی مقدّس، وعده داده شده و مبرک که حلقه شئون و حیثیت حکومت حقّه و جهانی مستضعفان را در خود دارد؛ چنان که خداوند کریم در «قرآن مجید» وعده تحقّق آن را داده است:

«رُبُّدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَمْنَةً وَ نَجْعَلَهُمُ

الْوَارِثِينَ»^۱

۱. این اثر توسط انتشارات موعود عصر (عج) منتشر شده است.

۲. سوره قصص، آیه ۵. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در تفسیر آیه شریفه فرمودند: «این گروه

و ما اراده کردیم تا آنان را که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند، نعمت بخشیده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

چنین می‌نماید که به موازات سیر و سفر «قبیله رحمت» در عرصه تاریخ، «قبیله لعنت» دوش به دوش پیش آمده و نقش خود را ایفا نموده است.

عنوان قبیله لعنت، عنوان عامی است که همه معنا و مفهوم «ائمه کفر» را در خود پوشیده دارد و بر همه کافرانی که دیگران را به کفر و شرک، دعوت و موجبات گمراهی و ضلالت فرزندان آدمی را فراهم می‌آورند، اطلاق می‌شود. از آنجا که ابلیس ملعون، سرسلسله این قبیله و هادی و حامی آن شناخته می‌شود، از این قبیله و پیروانش، همچون «بنی اسرائیل»، با عنوان «قبیله لعنت» یاد شده است.

در «قرآن کریم»، از این قبیله با تعبیر گوناگونی، همچون مستکبران (سوره سبأ، آیات ۳۳-۳۴)، امانی که به آتش دوزخ فرامی‌خوانند (سوره قصص، آیه ۴۱) و رؤسا و بزرگان که باعث ضلالت می‌شوند (سوره احزاب، آیه ۳۳)، یاد شده است؛ همه آنانی که به نحو، به ائمه کفر و قبیله لعنت ارتباط پیدا می‌کنند.

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»

و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند، گردانیدیم و روز رستاخیز یاری نخواهند شد.»

به استناد فرموده‌های «قرآن کریم»، این قبیله و تابانشان در قیامت از

آل محمد (ص) هستند. خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، «تفسیر نمونه»، ج ۱۶، ص ۱۸؛ به نقل از «تفسیر نور الثقلین»، ج ۴، ص ۱۱۰.

۱. سوره قصص، آیه ۴۱.

سوی هیچ شفاعت کننده‌ای یاری نخواهند شد: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ»^۱ و از آنجا که در کفر و معاصی، دیگران از آنان پیروی می‌کنند، پیوسته بار گناهانی، مانند بار گناهان پیروانشان بر آنان تحمیل می‌شود و از این‌رو، با استمرار کفر و معاصی، لعنتی مستمر دامگیرشان خواهد شد.

«وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ»^۲

در این دنیا، لعنتی بدرقه آنان کردیم و روز قیامت [نیز] ایشان از [حمله] زشت‌رویانند»

این تالیف، عصاره انضعاف و فریب مردم شدند تا آنجا که جملگی آنان را از صراط حق منحرف ساخته و در دنیا و آخرت، مشمول نگویند بختی و خسران ساختند:

«وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَفْهَمُوا الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرٌ...»^۳

و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «... و سه‌های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم، آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند، خود را پنهان می‌کنند (تا بیشتر رسوا نشوند)؛ و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می‌نهم. آیا جز آنچه می‌کردند، به آنها جزا داده می‌شود؟»

در فراز و نشیب تاریخ، مصادیق ائمه ضلالت و گمراهی، هم آنان که رویارو با ائمه دین و قبیلۀ رحمت صف کشیدند، به‌رغم موقعیت زمانی و

۱. همان.

۲. سوره قصص، آیه ۴۲.

۳. سوره سباء، آیات ۳۳-۳۴؛ ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، سایت تدبیر (بنیاد علوم و معارف اسلامی).

مکانی متفاوت، جملگی از روح و روحیه‌ای ثابت و سرانجام، عاقبتی ثابت نیز برخوردار خواهند بود.

اولین شخص از میان جمله موجودات انسی و جنّی که متّصف به صفت «مستکبر» و در پی آن، شایسته لعنت ابدی خداوند متعال شناخته شد، ابلیس بود؛ چنان‌که خداوند متعال در «قرآن کریم» درباره او می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^۱

در آنگاه که به فرشتگان گفتیم: بر آدم سجده کنید، پس همه سجده کردند؛ جز ابلیس که ابا کرد و استکبار ورزید و از کافران گردید.»

در اثر این استکبار، ری، آشکار بود که ابلیس از درگاه خداوند، رجیم و رانده شود و بر اثر میثاق ملعون مطرود گردد:

﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَبِكَ زَجِیمٌ، إِنَّ عَلَیْكَ لَعْنَتِی إِلَى یَوْمِ الدِّینِ﴾^۲

پس [خداوند فرمود:] حارّ شو از آنجا [از آسمان‌ها و از میان فرشتگان و از مقام قرب الهی] که تو عتماً رانده شده‌ای و همانا لعنت من تا روز رستاخیز بر تو ست.»

پس از ابلیس، «قرآن کریم» همه کسانی که از پیمان و عهد خداوند متعال سر باز زدند و با ایجاد فساد در زمین، مرجعیت امرای و ضلالت مردم را فراهم آوردند، در زمره دورافتادگان از رحمت مرفی مگرد و آنان را در زمره لعنت شدگان برمی‌شمارد؛ چنان‌که فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ ... وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ

۱. سورة بقره، آیه ۳۴.

۲. سورة ص، آیات ۷۷-۷۸.

لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ^۱

و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن [پیمان] فرمان داده، می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، بر ایشان لعنت است و برای آنان، فرجام بدی است.

در فرهنگ قرآنی، آنان که پس از آگاه شدن از نشانه‌های روشن و رهنمودهای نجات‌بخش آسمانی، به عمد از حقایق روشن روی برگردانده و آن را منکر می‌شوند، در زمره لعنت‌شدگان به حساب آمده‌اند.

«إِنَّ اللَّهَ يَكْتُمُ مَا أُنْزِلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا يَبَيِّنُهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ إِنَّكَ يَلْعَنُهُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»^۲

کسانی که نشانه‌های روشن و رهنمودی را [با ارسال انبیاء و انزال کتاب] که فرستادیم، بعد از آنکه برای مردم [در کتاب] توضیح داده‌ایم، نهفته می‌دارند، آنان را خدا لعنت کرده و لعنت‌کنندگان [نیز] لعنتشان کنند.

در واقع، این جماعت پس از آگاهی از حقایق و اتمام حجت توسط انبیای الهی و حجج آسمانی و بعد از مشاهده دلیل‌ها و حجت‌های کتب آسمانی، به قصد عناد و مقابله با اراده حضرت خداوندی قد کشیده و مبدع فساد و تباهی در میان مردم و گستره زمین شدند؛ از این رو، استحقاق لعنت یافته و به سببش از رحمت الهی دور افتادند.

خداوند قهار، سه گروه عمده «کفار»، «مشرکان»، «منافقان و آزاردهندگان به خدا و رسولش» را در صف ملعونان برمی‌شمارد. در این میان، دسته‌های مختلفی از مردم قرار گرفته‌اند که شناسایی آنان، مجال تجربه و شناسایی سایر

۱. سوره رعد، آیه ۲۵.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۹.

مصادیق ملعونان منتشر در میان قرون و اعصار را فراهم می‌آورد.

ابلیس، فرعون، «یهود»، «بنی اسرائیل»، «اصحاب سبت»، «پیمان شکنان»،

۱. نزدیک ساحل «بحر احمر»، در بندر «ایله»، عده‌ای از دودمان بنی اسرائیل در زمان حیات حضرت داوود علیه السلام، زندگی می‌کردند («تفسیر کشاف»، ج ۱، ص ۳۵۵) که می‌بایست مسلک پیدران و نیاکان خود را تعقیب کرده و روز شنبه را به عبادت پروردگار خویش می‌پرداختند و طبق آیینشان، شکار در روز شنبه را حرام می‌دانستند. علت حرمت شکار در روز شنبه برای یهود، این بود که حق تعالی به وسیله حضرت موسی علیه السلام از قوم یهود خواسته بود تا روز جمعه را بزرگ شمرند و در این روز، کارهای مادی و دنیوی را ترک گویند و به امور معنوی و اخروی بپردازند. یهودیان از این امر الهی سربرناخته، جمعه را برای کسب و کار و شنبه را برای تعطیلی برگزیدند؛ آن‌ها شنبه را عظیم‌ترین روزها می‌دانستند. از این روی، قهر و کیفر الهی شامل حالشان شد و شکار در روز شنبه، ایشان حرام گردید. («بحار الأنوار»، محقق‌باهر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ه. ق.، ج ۱۴، ص ۴۹).

کالای استراتژیک این شهر، ماهی بود و بیشتر اهالی آن، از راه صید ماهی امرار معاش می‌کردند. از آنجا که خداوند می‌خواست این قوم را در معرض امتحان قرار دهد، زمینه آزمایش را این‌گونه برایشان رقم زد: ماهیان دریا که در روز امن و امان یافته بودند، به خواست و مشیت خداوند به کنساره دریا می‌آمدند و جنس روی آب را بر می‌کردند که با تلاش اندک و در زمانی کوتاه، صیادها می‌توانستند تعداد زیادی ماهی بگیرند. اما روزهای دیگر برای ماهیان ناامن بود و از کناره دریا فاصله می‌گرفتند و به اعماق آب می‌رفتند؛ به گونه‌ای که صید آنها به سختی صورت می‌گرفت: «إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَاعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ آنگاه که به [احکام] روز شنبه تجاوز می‌کردند، [آنها] روز شنبه آنان، ماهی‌هایشان روی آب می‌آمدند و روزهای غیر شنبه، به سوی آنان نمی‌آمدند؛ این گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی می‌کردند، می‌آزمودیم.» (سوره اعراف، آیه ۱۶۳).

انتیژه‌های طمع به حرکت آمد و اسباب حرص در روز شنبه کالای این سرزمین تحریک شد و از دستورات پیامبران خود غافل ماندند. مطلبی را که شنیده بودند، با دست فراموشی سپردند، به مشورت و تبادل نظر پرداختند و گفتند: چرا روزی را که ماهی‌ها روی آب می‌آیند و خود به سوی ما می‌شتابند، رها کنیم و در روز دیگر که از ما می‌گریزند به صید بپردازیم؟ از آن رو، برای حلال کردن آنچه خداوند برایشان حرام فرموده بود، به حيله و فریب متمسک شدند و در کنار دریا، حوضچه‌ها و استخرهایی را ساختند تا بتوانند از راه جوی و کانال‌های متعدد که به دریا راه پیدا کرده‌اند، ماهی‌ها را جمع کنند. ساکنان شهر، به تدریج به سه طایفه تقسیم شدند:

۱. بیشتر اهالی شهر به بدعت‌گذاران فریب‌کار پیوستند و با ایشان همکار و هم‌نوا شدند؛
۲. اندکی از خدایاباوران که ایمان در اعماق قلبشان رسوخ کرده بود؛
۳. کسانی که بدون موضع و بی‌طرف بودند.

دسته اول که روز به روز به شمارشان افزوده می‌شد، در برابر ناهیان از منکر، ایستادند و مکر خود را ابتکاری بزرگ و کاری زیبا قلمداد کردند و در توجیه نافرمانی خویش گفتند: ما امر خدا را اطاعت کرده‌ایم و در روز شنبه شکار نمی‌کنیم و یک‌شنبه شکار می‌کنیم. («تفسیر البرهان»، ج ۲، ص ۴۲) این‌گونه بود که گروه مؤمن پند و اندرزشان اثر نکرد و تصمیم به هجرت گرفتند تا گرفتار عذاب

«شجره ملعونه»،^۱ «منافقان» و «جهنمی‌ها»، مفسدان در زمین و برخی دیگر از مردم، در زمره لعنت‌شدگان به حساب آمده‌اند و آیات متعددی درباره آنان نازل شده است.

«أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»^۲

آنان را خداوند لعنت کرده است و لعنت‌کنندگان نیز آنان را لعنت می‌کنند.

۳. ریا: ر طول تاریخ و از ابتدای خلقت آدم ابوالبشر علیه السلام دو جریان اصلی «قبیله رحمت» - «قبیله لعنت» در گستره هستی جاری بوده است و تا به

الهی نشیوند. در سده هجری، عذاب الهی بر نابکاران نازل گردید: «فَلَمَّا تَسَوَّا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْهُوسَاءِ إِنَّا أَلَا اللَّهُنَّ ظُلُمُوا بِعَذَابٍ بَشِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند، انحراف بردند. کسانی را که از آکارا بد بازمی‌داشتند، نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند به ستم، آنکه نافرمانی می‌کردند، به عذابی شدید گرفتار کردیم. «فَلَمَّا عَتَا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» و چون از آنچه از آن نهی شده بودند، سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: «بعضایان» بنده شده باشید. در پی این فرمان، همه باقی‌ماندگان در شهر، به میمون‌هایی ریز و دشت تبدیل شدند («بحارالانوار»، ص ۵۶، روایت ۱۳) و دروازه شهرشان بسته شد و کسی از ایشان توان بیرون رفتن نداشت. با شنیدن این خبر، مردم شهرهای دیگر به آنجا آمدند و از بالای دیوار شهر، مردان و زنان فریبکاری را که به صورت میمون شده بودند، تماشا می‌کردند.

واعظان مهاجر شهر تصمیم به بازگشت گرفتند. آنها نزد میمون‌هایی که در خویشان و دوستانشان شباهت داشتند، رفته و سؤال کردند: تو فلاخی هستی؟ و آنگاه سؤالی که مورد سؤال قرار گرفته بود، در حالی که آب از دیده‌اش جاری می‌شد، با اشاره سر تأیید می‌کرد. حجت‌العالی پس از سه روز، باد و باران بنیان‌کن، نازل فرمود تا جایی که همگی به هلاکت رسیدند و هر یک را به جای خود در آن شهر باقی‌نماند. («اصحاب سبت»، عاشوری، زهرا، نامه جامعه، مرداد ۱۳۸۵، شماره ۳۲، ص ۴۸، با تلخیص).

۱. خداوند سبحان در عالم رؤیا به پیامبرش صلی الله علیه و آله شجره ملعونه، (قومی ملعون و آزار دهنده به پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام) و پاره‌ای از کردارشان را نشان داد و آنگاه برای ایشان بیان فرمود که آن یک فتنه است. «وَ مَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ» و آن رؤیایی که به تو نشان دادیم و درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم. به استناد بسیاری از روایاتی که از طریق اهل سنت رسیده و همچنین تمامی احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام، مراد از رؤیا در آیه، خوابی است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره بنی‌امیه دید و شجره ملعونه، همین ریشه و دودمان است (طباطبایی، محقق‌حسین، «تفسیر المیزان»، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۳، صص ۱۲۸-۱۴۰، در توضیح آیات سورة اعراف، آیات ۱۶۲ و ۱۶۶؛ سورة اسراء، آیه ۶۰).

۲. سورة بقره، آیه ۱۵۹.

وقت تأسیس دولت کریمه مهدوی تداوم خواهد یافت؛ جز اینها، مابقی طوایف با التقاط و امتزاج آموزه‌ها و سیره و سنت اهالی این دو قبیله، بر زمین مشی کرده‌اند. مصادیق متعددی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های سابق و لاحق وجود دارد که هر یک، وجوهی از رویکردها، دریافت‌ها، سنت‌ها و آداب رحمانی یا شیطانی این دو طایفه را به نمایش گذارده‌اند.

متأسفانه، وسعت و ژرفای التقاط و امتزاج این حوزه‌های فرهنگی و تمدنی، مجال شناسایی میزان آمیختگی هریک از سطوح فرهنگی و مادی اقوام و مناسبات و تعاملات آنها، با این دو جریان ریشه دار رحمانی و شیطانی را تنگ کرده است. از این رو، تشخیص جامع موقعیت‌ها و نسبت‌های عملی و نظری ساکنان زمین با ظاهر تأمّ رحمت یا لعنت برای عموم مردم، سخت می‌نماید و لاجرم، عموم ساکنان شرق و غرب، بر مدار پندار و گمان، سفر پرخطر خود را در عرصه تاریخ ادامه می‌دهند.

تردیدی نیست که در غربالگری بزرگ وقایع و حوادث پیش‌رو و پس از آن در وقت ظهور کبرای امام مبین علیه السلام، صلب‌بندی دقیقی میان ساکنان زمین حادث و هر گروه به جامعه‌ای که بدان دعوت است، خواهد پیوست تا آنکه دولت کریمه موعود، پیراسته از هرگونه آموزه‌ها، بدعت‌ها و کژی‌ها برکشیده شود.

از امام صادق علیه السلام، درباره اقدامات امام مهدی علیه السلام، سؤال شد، ایشان فرمودند:

«يُصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛^۱

۱. «بحار الأنوار»، همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

امام، همان کاری را که رسول خدا ﷺ انجام داد، انجام می‌دهد. بدعت‌های موجود را خراب می‌کند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ اساس جاهلیت را منهدم نمود؛ آنگاه اسلام را از نو بنا می‌کند.»

اثر حاضر، که متکی و مبتنی بر دریافت و رویکرد ادیان توحیدی به عالم و آدم و تاریخ نگاشته شده، بر آن است تا اعلام کند:

اولاً: خلقت هستی بر بنیاد علم و حکمت خالق متعال استوار بوده و انسان، به عنوان اشرف مخلوقات، در پی مقصود و مقصدی متعالی خلق شده است؛ ثانیاً: ولین نسل، حضرت آدم ابوالبشر (نعوذ بالله) جاهل و آکنده از خرافات و بی‌خبری خلق نشده است؛ بلکه با علم و اختیار کافی و به عنوان حجت خدا، سفر خود را در عرصه تاریخ آغاز نموده است؛

ثالثاً: آنچه دربارهٔ نرندار و نوجان نسل اندر نسل اولین انسان در گستره فرهنگ‌ها و تمدن‌ها حاکم و موجبات انحطاط آنان از صراط مستقیم حضرت حق (آکنده از علم و حکمت و پیراسته از جهل و خرافه) شده، حاصل عمل شیطان و کین‌ورزی او دربارهٔ انسان و موقعت تمام او بوده است؛

رابعاً: تفسیر و تحلیل‌های ارائه شده توسط مورخان دربارهٔ فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی، حاصل بی‌اطلاعی و غفلت آنان از وحدت نیروهای ماورائی شیطانی جنّی و علوم غریبه است که عموم فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دربارهٔ آنها آگاهی داشته و بدان‌ها مبتلا بوده‌اند.

همین موجودات متمرّد و کین‌جو و اشتغال اقوام به علوم و فنون مرتبط با آنها، موجب جدا و دور ماندن این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از قبیلهٔ رحمت (سلسلهٔ انبیا و اوصیای الهی) شده و آنان را در زمرهٔ قبیلهٔ لعنت‌شدگان وارد آورده است؛

خامساً؛ سرانجام آنکه، زنجیره بلند قبیله لعنت از وقت جعل و ابداع آن توسط ابلیس ملعون تا به عصر حاضر، ادامه یافته و شکل‌گیری مجموعه «مجامع مخفی و سری» (اعم از فراماسونری، ایلومیناتی و ...) را سبب شده است.

این مجامع، میراث‌بر جمله آموخته‌ها، تجربه‌ها و انگیزه‌های اجداد خودند و بر آند تا با تأسی به اولین مطرود و ملعون (ابلیس و پیروانش در میان شیاطین)، در نبردی همیشگی با برگزیدگان قبیله رحمت و به ویژه حضرت خاتم الانبیا (علیه السلام) مبعود، روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء، بساط زمین را بپوشانند. از تزیینات و تباهی ساخته و بر بنیاد آن، حکومت خودکامه جهانی را برپا دارند.

آنچه که این رساله مدهار آن می‌باشد، عبارت است از:

۱. بیان مبادی، مبانی و منابع اندیشه و عمل اهالی قبیله لعنت؛
۲. تبیین هستی‌شناسی، جهان‌شناسی معلمان و مبلغان رویکرد قبیله لعنت به هستی؛
۳. مبدا، مقصد غایی و مسیر طی طریق این قبیله از روز نخست تا فرجام کار؛
۴. نقاط عطف رفته، در حال گذار و آینده‌فراروی این قبیله تا ورود به وقت معلوم وعده داده شده:

«فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۱

۱. سوره حجر، آیات ۳۷ - ۳۸. ابلیس از خداوند درخواست کرده است که حیاتش طولانی شود و تا قیامت ادامه یابد. خداوند، درخواست حیات طولانی وی را اجابت کرد؛ اما تداوم آن را تا قیامت با آوردن «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» رد کرد. بنابراین حیات ابلیس، قبل از قیامت و در وقت ظهور امام زمان (عج) پایان می‌پذیرد.

همانا تو از مهلت یافتگانی تا روز وقت معلوم.»

۵. بیان سیر تحول تاریخی مجامع مخفی و صورت‌های سیاسی و اجتماعی

آن مجامع در غرب؛

۶. معرفی شناخته‌شده‌ترین مجامع مخفی و صاحب قدرت مؤثر در جهان

امروز.

نگارنده همه سعی خود را مصروف آن داشته تا عموم اطلاعات و

تحلیل‌ها، متکی به منابع و مستندات قابل تکیه و اطمینان باشد.

این اثر را به می، تقدیم برگزیده‌ترین شخص شخیص از قبیله

رحمت، حضرت ممدب عبدالله علیه السلام، می‌کنم؛ همو که خداوند کریم

درباره‌اش فرمودند:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً بَالِغِينَ»^۱

و تو را جز رحمتی برای جهانسانان نفرستادیم.»

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

امید عیل شفیعی سروستانی

؛ستان ۱۳۹۳